

## ادبیات فارسیهود میراث فرهنگی یهودیان ایران

اگر نگاهی به تاریخ مستند ایران باستان بیندازیم نام قوم یهود را در فراز و نشیبهای تاریخی و فرهنگی این سرزمین و در تکوین آنچه که امروز آن را هویت ایرانی می‌شناسیم سهیم می‌بینیم. ورود قوم یهود به سرزمینی که بعدها جزو قلمرو دولت ماد درآمد در حدود سال ۷۲۲ قبل از میلاد آغاز گردید. پادشاهان آشورده قبیله از فرزندان یعقوب را از سرزمین اسرائیل به نواحی غرب و شمال ایران کوچ دادند. مهاجرت یهودیان در زمان کورش کبیر، با فتح بابل در سال ۵۳۹ قبل از میلاد و آزاد نمودن اسرای یهودی که توسط بخت النصر دوم در سال ۵۸۶ قبل از میلاد از اورشلیم به بابل به اسارت آورده شده بودند، ادامه یافت.

پیگیری وقایع تاریخی این ۲۷۰۰ سال را به کتابهای تاریخ واگذار می‌کنیم! آنچه مسلم است بعد از قوم یهود طی تاریخ، اقوام خارجی دیگری نیز از قبیل عرب و ترک و مغول و ارمنی و آسوری مانند قوم یهود یاد را ایران سکنی گزیدند و سهمی در تشکیل «هویت ایرانی» پیدا نمودند و یا فرهنگ و ادب ایرانی را به سرزمین خود بردند و بر آن افزودند. وسعت این گسترش به حدی بود که تأثیر آثار ادب و فرهنگ ایرانی را از شبه قاره هند و نپال گرفته تا آسیای صغیر و افغانستان و تاجیکستان و سایر نواحی تا به امروز مشاهده می‌کنیم. آن گروه از یهودیان ایرانی که پس از اسارت به اراده خود در ایران سکنی گزیدند، در حین حفظ اعتقادات دینی و سنن مذهبی خود، نه تنها زبان و مظاهر فرهنگی و ادبی ایران را پذیرا شدند بلکه به تدریج با آن خو گرفتند و در تکوین و تکامل آن

نقش ساز بودند.

تلمود و سایر کتب مذهبی یهود از یک سو و کتب دینی زرتشتیان چون دینکرد، شکند کمانیک و یچار و مینوگ خرد از سوی دیگر نمایانگر پایه های همبستگی فرهنگی ایران باستان و قوم یهود می باشند.<sup>۲</sup>

اولین رشته این پیوند فرهنگی و اجتماعی را پس از اعلامیه حقوق بشر کورش کبیر در سال ۵۳۸ قبل از میلاد با انتخاب آن گروه از یهودیانی که سکونت در ایران را ترجیح دادند مشاهده می کنیم. این روابط، بنا به فرضیه Jon Berquist، برای اولین بار به فرمان داریوش اول با رسمی ساختن قوانین تورات به عنوان قوانین کشوری در نواحی یهودی نشین نضج گرفت.<sup>۳</sup> تفاسیر ایرانی شده قوانین تورات توسط عزرا قدم بعدی در تحکیم این روابط بود. در این مورد عزرا «قانون پادشاه ایران» را به موازات «قوانین الهی و آسمانی» تفسیر کرد و برای اجراء یهودیان مقرر داشت (Ezra ۷: ۲۶).<sup>۴</sup>

در دوره ساسانیان در برخی اوقات، علاوه بر آزادی فرهنگی که حاصل آن تشکیل آکادمی های علمی به منظور گردآوری و تألیف تلمود بود، باید از روابط نزدیک گروهی از رؤسا و رهبران روحانی یهودی با چند تن از سلاطین ساسانی به خصوص شاپور اول و دوم نام برد. نتیجه این روابط حسنه و نزدیک توصیه راب یوسی (وفات ۳۲۳ میلادی) از ربانهای معروف دوره تلمود است که از یهودیان می خواهد زبان آرامی را کنار گذاشته به فارسی تکلم کنند.<sup>۵</sup> توضیح آن که پس از اسارت بابل تکلم به زبان آرامی جای زبان عبری را گرفته بود تا بدان جا که تورات و سایر اسفار کتاب مقدس به آرامی ترجمه شده بودند و این زبان، زبان مادری یهودیان بابل شناخته می شد.<sup>۶</sup>

فرمان راب یوسی و آغاز تکلم یهودیان به زبان پهلوی پایه گذار تعلق و وابستگی مشترک یهودیان ایران به زبان و فرهنگ ایرانی ست. رابطه ای که تا به امروز یهودیان ایران در حین حفظ اعتقادات مذهبی خود حفظ کرده اند و به سبب آن و سایر دلایل سیاسی و مذهبی از بقیه جوامع یهودی جهانی مجزا و تا حدی ناشناخته باقی مانده اند. جوانه این رابطه و فرهنگ مشترک را با ترجمه و بازنویسی قسمتهایی از کتاب مقدس به زبان و خط پهلوی و شکوفایی آن را در دوران ایران اسلامی به خصوص بعد از دوره مفلو به فارسی نو در ادبیات فارسیهود مشاهده می کنیم.

### تعریف فارسیهود:

فارسیهود شامل نوشته های فارسی به الفبای عبری می باشد. باید اضافه کرد که از نوشته های فارسیهود به استثنای چند مورد از جمله ترجمه مزامیر داود به زبان و خط پهلوی،

آنچه که در دسترس قرار دارد متعلق به دوران فارسی نو است.<sup>۷</sup> طبق این توصیف آثار فارسیهود به استثنای چند نسخه پهلوی اکثراً شامل نوشته های کلاسیک و یا هر نوع گویش محلی به زبان فارسی نو و به حروف عبری می باشد. به علت کمبود و عدم تطابق الفبای عبری با بعضی اصوات فارسی یک حرف عبری به همراه بعضی علامات اضافی می تواند در نقش چند صوت فارسی به کار رود. به همان ترتیبی که حروف عبری چاپ شده از حروف عبری خطی متفاوت است، مطالب چاپ شده فارسیهود نیز از نظر خط با نسخ خطی آن متفاوت هستند.

### ادبیات فارسیهود:

ادبیات فارسیهود از سه منشأ فرهنگ ایرانی، یهودی، و اسلامی سرچشمه می گیرد و از نظر متن از یک سو شامل مطالب متفاوت مذهبی و غیر مذهبی، علمی، ادبی، فلسفی، و تاریخی می باشد. از نظر فرم، نوشته های فارسیهود می توانند منظوم و یا منثور باشند. نوشته های منثور فارسیهود در حین برداشتن سنگین ترین کلمات کلاسیک ادبی تعدادی اصطلاحات روزمره، لغات پهلوی، اسلامی، عربی، و عبری را نیز شامل می گردند. برخی از این نوشته ها از نظر دستوری نیز تحت تأثیر زبان عبری قرار گرفته اند.<sup>۸</sup>

ادبیات منظوم فارسیهود که قسمت اعظم ادبیات یهودیان را تشکیل می دهد از نظر قالب شعری اکثراً در قالب مثنوی و از نظر متن به صورت داستان نویسی می باشد ولی بعضی از شعرای فارسیهود به خصوص عمرانی و امینا در زمینه های متفاوتی چه از نظر قالب و چه از نظر متن ذوق و قریحه شاعرانه خود را آزموده اند.

در دوران ایران اسلامی، به خصوص بعد از حمله مغول و اوایل حکومت ایلخانان (۱۲۵۰-۱۲۹۵ میلادی)، یهودیان ایرانی مانند سایر اقلیتها از آزادی مذهبی و فرهنگی آن دوران بهره مند شدند. آنان علاوه بر سیاستمداران و دانشمندانی که به جامعه ایرانی تحویل دادند از خود به دو صورت نوشته ها و آثاری باقی گذاشتند. گروهی از این آثار به خط و زبان فارسی و یا عربی است که اغلب از جانب مشاهیر ایرانی یهودی الاصل باقی مانده اند. از آن جمله می توان از تاریخ رشیدی نوشته رشیدالدین فضل الله پزشک، سیاستمدار، و مورخ یهودی الاصل دربار الجایتو (۱۳۰۴-۱۳۱۶ میلادی) و شرح تلویحات سهروردی و شرح اشارات ابن سینا و سایر آثار ابن کمونه اسرائیلی بغدادی (وفات ۱۲۸۴ میلادی) به عربی و دویتیه های عرفانی سعید سرمد کاشانی (وفات ۱۶۵۹ یا ۱۶۶۱ میلادی) نام برد.<sup>۹</sup> گروه دیگر که شامل قسمت اعظم آثار ادبی این قوم می باشد آثاری است که بر اثر قرنهای زندگی و همکاری فرهنگی در سراسر ایران از غرب و جنوب تا ماوراءالنهر و افغانستان

به عنوان ادبیات فارسیهود برای ما به جا مانده است.

انتخاب خط عبری به جای خط فارسی برای نوشتن آثار فرهنگی یهودیان ایران به گونه های متفاوتی قابل تفسیر است. ژیلبر لازار ایران شناس معاصر در این مورد چنین حدس می زند که در اکثر کشورهای مسلمان عرب دوران قرون وسطی انتخاب حروف عربی که خط قرآن نیز می باشد برای نوشتن آثار یهودیان می توانسته است نشانه ای از عدم تعهد و ابراز وفاداری به یهودیت تلقی شود.<sup>۱۰</sup> آنچه که مسلم به نظر می رسد علت انتخاب حروف عبری برای نویسندگان فارسیهود جنبه عملی آن می باشد. زیرا که احیاناً عدم آشنایی توده مردم یهودی بیسواد به خط فارسی و آشنایی آنان به خط عبری، به منظور خواندن و اجرای فرایض دینی، تعداد خواننده بیشتری را برای آثار فارسیهود تأمین می کرده است. لذا از شواهد چنین می توان برداشت کرد که ادبیات فارسیهود اکثراً برای یک گروه خواننده مخصوص که همان طبقه عامی یهودی ایرانی باشد نوشته می شده است. طبقه ای که با وجود این که به زبان فارسی صحبت می کرد نمی توانست آن را به خط فارسی بخواند. باید در نظر داشت که سواد عبری اکثر افراد این گروه هم احیاناً از خواندن دعاهای مذهبی بدون درک معانی آنها تجاوز نمی کرده است. شاهد این ادعا برگردانیدن شاهکارهای ادبیات فارسی به خط فارسیهود است که نسخه های خطی آنها در کتابخانه ها فراوانند. از آن جمله می توان از برگردان «رستم و سهراب» فردوسی، رباعیات خیام، دیوان حافظ، گلستان سعدی، فیه ما فیه مولوی، منطق الطیر عطار، هفت پیکر، و خسرو و شیرین نظامی گنجوی همچنین از لیلی و مجنون و یوسف و زلیخای جامی نام برد.<sup>۱۱</sup> در اوایل قرن بیستم برگرداندن بعضی داستانهای فولکلور ایرانی مانند داستانهای هزار و یک شب یا ترجمه های ادب خارجی از جمله «کمدی اشتباه» (*Comedy of Error*) اثر شکسپیر گویای سطح دانش عمومی خوانندگان فارسیهود و نیاز آنان به چنین نوشتارهایی است.<sup>۱۲</sup> روی هم رفته مطالعه آثار و نوشته های فارسیهود نمایانگر تفاوت و فاصله ذهنی نویسندگان آن با خوانندگان خود و سطح دانش و آگاهی این مشاهیر یهودی از فرهنگ و زبان ایرانی است. نویسندگان ادبی فارسیهود اکثراً از استادان ایرانی غیر یهودی و یا از آثار استادان یهودی غیر ایرانی متأثر بوده اند. مبین این امر تسلط آنان بر فرهنگ ایرانی و یهودی و حتی در مورد بعضی از آنان تسلط بر فرهنگ اسلامی می باشد.

از جمله شعرای بزرگ ایرانی که بر نویسندگان ادبیات فارسیهود اثر گذار بوده اند باید از شعرای ذیل نام برد:

۱- فردوسی: در مورد اشعار حماسی الهام بخش شاهین، عمرانی، و خواجه بخارایی.

- ۲- نظامی: در مورد اشعار داستانی الهام بخش شاهین، عمرانی، و بابائی بن لطف.
- ۳- سعدی: در مورد اشعار اخلاقی و پند و اندرز الهام بخش عمرانی.
- ۴- مولوی و عطار نیشابوری: در مورد اشعار عرفانی الهام بخش شاهین، عمرانی، راغب، سیمانطوب ملمد، و شاهی.
- ۵- خیام و حافظ: در مورد اشعار غنائی الهام بخش عمرانی و یوسف یهودی.<sup>۱۳</sup>
- کعبود شعرای مدیحه سرا (به استثنای مدح شاهین از سلطان ابوسعید بهادر) نمایانگر اوضاع اقتصادی و اجتماعی شعرای یهودی و عدم رابطه آنان با دربار سلاطین ایران است. پزشکان یهودی در این مورد مستثنی بوده اند زیرا که آنان از دیرباز، از ایلخانان تا دوران پهلوی، همیشه مورد اعتماد و طیب دربار پادشاهان ایرانی بوده اند.<sup>۱۴</sup>
- از استادان و فلاسفه غیر ایرانی یهودی که الهام بخش شعرا و فلاسفه فارسیهود بوده اند می توان به نامهای ذیل مراجعه کرد:
- ۱- ابن میمون: (قرن سیزده و چهارده میلادی) از اسپانیا و ساکن مصر، الهام بخش عمرانی (قرن پانزده و شانزده)، یهودا بن الازار فیلسوف بزرگ (قرن هفده) و سیمانطوب ملمد شاعر و عارف قرن نوزده.<sup>۱۵</sup>
- ۲- بهیا ابن پکودا: (اواخر قرن یازده) از اسپانیا الهام بخش سیمانطوب ملمد.<sup>۱۶</sup>
- ۳- ابراهام بن حسدای: (قرن سیزده) از اسپانیا، الهام بخش الیشا بن شموئیل موسوم به راغب از سمرقند (قرن هفدهم).<sup>۱۷</sup>
- ۴- راب شمعون بن عباس بن ابون: (قرن دوازدهم) از شمال آفریقا الهام بخش بنیامین بن الیشا متخلص به امینا از کاشان (قرن هفده و هجده).<sup>۱۸</sup>

### انواع ادبیات فارسیهود:

ادبیات فارسیهود بر سه پایه متفاوت زمان، فرم، و متن بنا شده است:<sup>۱۹</sup>

از نظر زمان: این آثار به دو دوره قبل و بعد از مغول تقسیم شده اند. آثار قبل از دوران مغول بیشتر دارای اهمیت زبان شناسی و آثار بعد از مغول دارای اهمیت ادبی، تاریخی، و اجتماعی می باشند.

از نظر فرم: آثار فارسیهود به دو فرم نظم و نثر تقسیم شده اند.

از نظر متن: این آثار به دو بخش نظم و نثر گروه بندی شده اند: آثار منظوم شامل متون حماسی، مذهبی، تاریخی، غنائی، و اخلاقی بوده و آثار منثور اکثراً شامل تراجم و تفاسیر کتاب مقدس، کتب پزشکی، لغت نامه ها، و سایر مطالب عمومی بوده است. ترجمه های تورات نه تنها رهگشای باستان شناسان و اروپاییان از فعالیت های فرهنگی ممتد یهودیان

ایران گردید بلکه باعث یادگیری و ترویج زبان فارسی در میان زبان شناسان اروپائی نیز شده است. لازم به توضیح است که علاوه بر نسخ فارسیهود قسمت‌هایی از تورات مستقیماً به خط فارسی ترجمه شده اند. این نسخ اغلب یا به دستور جهانگردان و پادشاهانی مانند شاه عباس و نادرشاه انجام گرفته است و یا به صورت پراکنده و به دست افراد خصوصی، از آن جمله می توان از شش فصل اول کتاب آفرینش توسط ابهی چند مرید سعید سرمد کاشانی نام برد. این ترجمه در کتاب دبستان المذاهب منعکس است.<sup>۲۰</sup>

### سهم ادبیات یهود در فرهنگ ایرانی

به دنباله فرمان راب یوسی (وفات ۳۲۳ میلادی) تکلم به زبان پهلوی و سپس فارسی نو به تدریج جای تکلم به زبان آرامی را برای یهودیان ایران گرفت و زبان فارسی زبان علمی و فرهنگی و ادبی یهودیان گردید. این امر دو تأثیر بزرگ بر تاریخ و سرنوشت ایرانیان یهودی گذاشت. اولین تأثیر آن این بود که آنان نیز با تکلم به زبان ایرانی پایه های فرهنگ مشترکی را با ایرانیان پی ریزی کردند. اما به علت عدم استفاده از حروف فارسی به خصوص در ایران اسلامی و همچنین وجود فشارهای مذهبی، اجتماعی، و اقتصادی از مسیر کلی فرهنگ و ادبیات ایرانی جدا ماندند و آثار آنان به علت محدودیتهای فوق از نظر بلاغت کلام و صنایع ادبی زیاد رشد نکرد. با وجود این بعضی از شعرا و نویسندگان فارسیهود از فصاحت و هنرهای بدیع بی بهره نبودند و آثار با ارزشی را برای فرهنگ ایران به جا گذارده اند. تأثیر دوم این که یهودیان ایرانی باز هم به علت مسائل اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی و عدم تکلم به زبان عبری از سایر مراکز جهانی یهودی به خصوص بعد از انتقال مرکز یهودیت از بغداد به اسپانیا (در حدود ۹۱۵ میلادی) به دور افتادند و در عرصه جهانی فرهنگ یهودیان نیز نتوانستند از خود نشانهای زیادی باقی گذارند. در هر حال آنچه که مسلم است ادبیات فارسیهود با همین خصوصیات مخصوص به خود نمودار شرایط زندگی، اوضاع تاریخی و احساسات و عواطف نویسندگان و خوانندگان آن است.

به هنگام نقد ادبیات فارسیهود توصیه ژان رییکا به منقدین غرب را در مورد بررسی و نقد ادبیات شرق باید در مد نظر داشت. اگر منطق او را در مورد بررسی ادبیات فارسیهود نیز به کار ببریم متوجه می شویم که این ادبیات را باید از دیدگاه موقعیت زمانی و مکانی و معیارهای ذهنی گویندگان و خوانندگان مخصوص به خود سنجید و نه از دیدگاه و معیارهای سایر انواع ادبیات فارسی.<sup>۲۱</sup>

### فارسیهود فرهنگ یهودیان ایران

نقش ادبیات فارسیهود در تکوین و نگاهداری فرهنگ ایرانی به طور اعم و یهودیان

ایرانی به طور اخص در داخل متون و از لابه لای سطور نظم و نثر آن نمودار است. بهترین وسیله برای اثبات آن ارائه نمونه‌هایی از آن می باشد. نکات مشترک ادبیات فارسیهود را در ادبیات و فرهنگ ایرانی از سه دیدگاه زبان فارسی، صناعات ادبی، و مضامین و اندیشه می توان بررسی نمود.

### نگاهی به آثار فارسیهود از دیدگاه زبان فارسی:

#### ۱- نکات مشترک در انتخاب نامها:

الف- نام آثار ادبی: یکی از وجوه اشتراک فرهنگی ادبیات فارسیهود با سایر آثار ادبی ایران انتخاب نام مشترک بعضی از این آثار می باشد. اسامی ساقی نامه، مناجات نامه، مصیبت نامه و مخزن الپند از آن جمله می باشند.

ب- نام افراد و قهرمانها: در آثار فارسیهود به چند گروه از این نامها برمی خوریم:

۱- گروهی از نامهای یهودی که به صورت ایرانی و بدان گونه که در منابع اسلامی ذکر شده اند آمده است. برای مثال از نامهایی از قبیل: موسی یا لقب او کلیم الله، برای مشه؛ شعیب، برای بیترو (پدرزن موسی) می توان نام برد.<sup>۲۲</sup>

#### ۲- کاربرد لغات و واژه ها:

الف: واژه های ایرانی: ادبیات فارسیهود مانند هر اثر ادبی ایرانی عامل حفظ بعضی لغات و ویژگیهای فارسی نو و به خصوص وسیله انتقال آنها از ریشه پهلوی به زبان فارسی نو است. کاربرد بعضی لغات فارسی مهجور نمایانگر نقش فارسیهود در حفظ این لغات اصیل ایرانی می باشد:

ایوار: به معنی شب، در اردشیر نامه شاهین و فتحنامه عمرانی:<sup>۲۳</sup>

شاهین: قربان و بخور صبح و ایوار بردی بر حضرت آن نکوکار

عمرانی: که تا روزی ز فرمان جهاندار رسیدند در یربخو وقت ایوار

چاووش: به دو معنی حاجب و پیشرو لشکر در موسی نامه شاهین و فتحنامه عمرانی:<sup>۲۴</sup>

شاهین: یکی چاووش فرعون دید از دور ستاده بر دری بر خویش مغرور

عمرانی: روان گشتند چاووشان به تعجیل به قامت هر یکی افزون ز یک میل

ب: واژه های عربی و اسلامی معمول در زبان فارسی: انتخاب لغات عربی معمول در زبان فارسی نمودار درجه دانش نویسندگان فارسیهود از زبان عربی و اختلاط آن با فارسی نو و بالتیجه پایه نفوذ فرهنگ اسلامی در میان یهودیان ایران است. استفاده از لغات عربی همراه با بار فلسفی در نظم و نثر گویای گوشه ای دیگر از دانش ادبای فارسیهود است. عمرانی کتاب فتحنامه خود را در وصف واجب الوجود چنین آغاز می کند:<sup>۲۵</sup>

به نام آن که حی لایزال است صفات ذات پاکش بی زوال است  
 خداوندی که موجود است دایم قدیم و حی و قیام است و قایم  
 (۲) کاربرد اصطلاحات اسلامی برای مفاهیم یهودی: درجه تأثیر فرهنگ اسلامی  
 به حدی است که ادبای یهودی گاهی برای تشریح مفاهیم یهودی از اصطلاحات و مفاهیم  
 اسلامی استفاده می کردند. چنین کاربردی مبین آگاهی نویسنده و خواننده از هر دو  
 فرهنگ است:

الله اکبر: در فتحنامه عمرانی:<sup>۲۶</sup>

جهان بود روشن از خورشید انور زهنی صنع خدا الله اکبر  
 سید: به معنی بزرگ و سرور و اولاد پیغمبر در اشاره به یهوشوع در فتحنامه عمرانی:<sup>۲۷</sup>  
 سپاهی در پی سید روان شد کز ایشان کوه و صحرا ناتوان شد  
 احرام بستن: به معنی آهنگ حج کردن در فتحنامه عمرانی:<sup>۲۸</sup>  
 ز لشکر منزلی بیرون نشستند سسوی کنعان احرام بستند  
 اشاره به تقویم اسلامی نیز یکی دیگر از نمونه های امتزاج یهودیان با فرهنگ ایران  
 اسلامی است. شاهین سال ختم اردشیرنامه را به ماه و سال هجری قمری گزارش می دهد:<sup>۲۹</sup>  
 هفتصد بگذشت و سی و سه سال با نیمه ماه شهر شوال  
 ج: واژه های عبری: مصرف واژه های عبری برای مفاهیم یهودی در قالب جملات نثر و  
 نظم فارسی نمودار موضع یهودیان ایرانی و مظهر اعلا آمیزش دو فرهنگ یهودی و  
 ایرانی است. این نوع نوشته ها گویای این واقعیت است که اعتقادات مذهبی یک قوم در  
 عین حالی که تناقضی با ملیت و اندیشه های فرهنگی او ندارد می تواند رنگ و جلوه خاصی  
 به آن بدهد. بنابراین آثار فارسیهود در عین حالی که جزئی از فرهنگ و ادب ایرانی  
 به معنی عام هست، در مقابل فرهنگ ایرانی اسلامی نمودار فرهنگ ایرانی یهودی  
 می باشد.

گئولا / g'ula / و رفوآ / refua / : به معنی نجات و سلامتی، در گنجنامه عمرانی:<sup>۳۰</sup>

یارب پی این رسد گئولا بر خسته دلان بود رفوآ

عاوون / 'avun / : به معنی معصیت و گناه. در انتخاب نخلستان عمرانی<sup>۳۱</sup>

دریغا که از جور و عصیان ما همه عمر کم شد ز عاوون ما

میقداش / migqash / : به معنی محل مقدس، در اردشیر نامه شاهین که استفاده لغات

عبری و عربی را در کنار هم می بینیم:<sup>۳۲</sup>

میقداش بدی مقام ایشان تسبیح بدی کلام ایشان



در نثر فارسی هم نمونه امتزاج سه زبان فارسی، عربی، و عبری، را در مقدمه حیات الروح سیمانطوب ملمد مشاهده می‌کنیم:<sup>۳۳</sup>

سبب این است ای برادر دینم و ای جان شیرینم بدان و آگاه باش که میتصوت‌های هشتم یتبارخ / mitzvota-ye hashem yitbarekh / (اوامر خدای متبارک) در بدن ایما (ما) مانند نقره خاص و خالص باشد که از غفلت گالوت (تبعید و سرگردانی) و کثافت اعمال و نحوست کردار با جرم و خلل آلوده شده و از خواندن این کتاب بیدار گردد و آن شخص به عمارت عولام هبا Ulam / haba / (دنایای بعدی) معمور گردید».

د: واژه‌ها و اصطلاحات «زبان ادبی»:

ادبای فارسیهود در بعضی متون به خصوص در مضامین حماسی، داستانی و غنایی استعداد و قابلیت خود را اکثراً در نظم (و در برخی موارد در نثر) فارسی بروز داده‌اند. ذکر چند مثال از دو گروه اصطلاحات حماسی (متعلق به شاهین و عمرانی) و اصطلاحات غنایی (از ساقی نامه عمرانی). آشنایی این شعرا را با اصطلاحات مخصوص و کاربرد این دو گروه مشخص می‌سازد.

۱) کاربرد واژه‌ها و اصطلاحات حماسی:

فر: در یوسف و زلیخای شاهین و فتحنامه عمرانی:<sup>۳۴</sup>

شاهین:

دگر آن هفت گاو خشک و لاغر بود آن هفت سالی خشک و بی‌فر  
عمرانی:

به بینایی خود ما را فر داد کمال و دانش و عقل و بصر داد  
رخش: در گنجنامه عمرانی:<sup>۳۵</sup>

چون رخس سخن کشد طبیعت نه چرخ فلک کشد جنیبت  
۲) واژه‌ها و اصطلاحات غنایی عرفانی در ساقی نامه عمرانی:<sup>۳۶</sup>

رند:

رنیدی و عاشقی و مخموری بهتر از کبر و زهد و مغروری  
خرابات:

صبح تا شام در خراباتم صبح تا صبح در مناجاتم  
بیر مغان و مغیچگان:

مطربیی دوش پیش پسیر مغان چنگ می‌زد یه پیش مغیچگان  
درد: در اردشیرنامه شاهین:<sup>۳۷</sup>

گردان ز نبرد مست گشتند دُردی کش و می پرست گشتند  
نگاهی به آثار فارسیهود از دیدگاه صناعات ادبی:

با در نظر گرفتن محدودیتهای اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی یهودیان ایرانی، و توصیهٔ Jan Rypka، اگر ادبیات فارسیهود را از دیدگاه و شرایط نویسندگان و خوانندگان آن بررسی کنیم کوشش آنها برای ابراز اندیشه و احساسات خود در قالب سخنان ادبی، ارزش بیشتری پیدا خواهد کرد. ادبیات فارسیهود در زمینهٔ نظم از نظر فرم و صنایع علم بدیع و عروض زیاد متنوع نمی باشد و از نقاط ضعف بری نیست ولی طبع آزمایی برخی از این شعر را نباید نادیده گرفت.<sup>۳۸</sup>

برای مثال در نظم به چند نمونه از اشعار شاهین و عمرانی قناعت می شود:

استعاره: در فتحنامهٔ عمرانی:<sup>۳۹</sup>

به رخس نظم و چوگان عبادت      زمینان در ربایی گوی سعادت  
تضاد: در فتحنامهٔ عمرانی:<sup>۴۰</sup>

در این دریا که سر تا پا نهنگ است      فراخ است آن ولیکن سخت تنگ است  
جناس خط: در فتحنامهٔ عمرانی و موسی نامهٔ شاهین:<sup>۴۱</sup>  
عمرانی:

نه هر کس کاوشناور باشد و چست      تواند گوهر اندر بحرهای جست  
شاهین:

همان روز در دهن شیرش بیالود      به شیر خود زبانش را بیالود  
جناس نام: در اردشیر نامهٔ شاهین، و فتحنامهٔ عمرانی.<sup>۴۲</sup>  
شاهین:

شاهین به میان درآ چوشاهین      رخ وار بزی، مباحش فرزین  
عمرانی:

کسی گوهر به یاران آرد زین آب      که باشد گوهرش چون گوهر پاک

\*

شمردند آن هزیمت را غنیمت      غنیمتها بهشتند از هزیمت  
در نثر: بازهم قسمتی از سرآغاز مقدمهٔ حیات الروح سیمانطوب ملامد را به عنوان نمونهٔ یک نثر مسجع ذکر می کنیم:<sup>۴۳</sup>

به مشرفان کهن و معروفان سخن و طالبان کرم و محرومان حرم را سخن مخفی نیست و نماند که  
ایجاد کائنات مخصوص وجود آدمی برپا شده و آدم آن کس را گویند که فرق نیک و بد یعنی

دنیای فانی و عقبای جاویدانی را دریافته باشد... و از سر صدق جان خواهش نمود که کتابی بنا کنم که حاجت سلیم نفسان زمانه به اجابت رسد [تا] از جام اصلی و [۱] ز شربت ازلی محروم نمانند و باز فکر نفسانی مانع شد یعنی [گفت] چون تو کسی قادر به این قدرت نیستی به این چنین دره بی پایان قدم نهی و اگر قدم نهی سر در بازی و این چنین امری را شخص مدرک و معرفی و سخن سنجی باید.

### نگاهی به فارسیهود از دیدگاه مفاهیم و متون

اشتراک تفکر و اندیشه ادبی شعرای فارسیهود با سایر شعرای فارسی زبان نکته گویای دیگری بر فرهنگ مشترک این دو گروه است. برای نمونه چند بیت از شاهین در وصف طبیعت و بهار و صحنه شکار و از عمرانی در وصف شهر یریحو ذکر می گردد. این ابیات یاد آور سبک خراسانی، شعرای دربار سامانیان و غزنویان می باشند:<sup>۴۳</sup>

شاهین:

چون فصل بهار چهره بنمود از روی چمن نقاب بگشود  
سوسن بکشید تیغ تازی با بید شد او به نیزه بازی  
نرگس بگشاد دیده مست شد سرو سهی به نزد او پست  
گل جامه درید بی بهانه در پای چنار، عاشقانه

عمرانی:

بهاران بود و صحرا چون رخ یار شده از سبزه خرم دشت و کوهسار  
چمن رخت زمرد کرده در بر ریاحین تاج زر کرده به سر بر  
درختان چون عروسان رخ گشاده سر اندر پای یکدیگر نهاده  
فکنده فاخته بر سرو سایه گرفتش سرو اندر بر چودایه

به علاوه اشعار فارسیهود بعضی از وقایع تاریخ یهود را که در هیچ مرجع دیگری ثبت نشده است در دسترس ما قرار می دهد. یکی از این نمونه ها چند بیت ذیل از بابائی بن لطف در مورد تغییر مذهب اجباری یهودیان در مقابل شاه عباس اول (۲۱ نوامبر ۱۶۲۰ میلادی) در اصفهان می باشد. سندیت این واقعه را نامه یک جهانگرد ایتالیایی به نام پیترودلاواله (Pietro Della Valle) که شاهد عینی همین واقعه بوده است و خاطرات آراکل ارمنی تأیید می کند.<sup>۴۵</sup>

بفرمود آنگهی آن شاه قهار بیاوردند سگان آدمیخوار  
بندی مردی میان آن جماعت همیشه کار او بودی عبادت  
ملا ابابندی نام و نشان اول در پیش بردند آن زمانش

بگفت شاهها که ای مرد یهودی      مسلمان شو که رستی از جهودی  
 نمی گردیم ز دین خود پشیمون      نداریم گلّه از موسی و هارون  
 مسلمانی به ما عار است شاهها      نمی آریم ایمان جم پناهها  
 غضب شد شاه و گفت او را ببندند      به پیش کلب او را در فکندند

در مضامین غنائی شباهت اندیشه شعرای فارسیهود را با سایر شعرای فارسی زبان و  
 تاثیر متاخرین را بر آنها به صورت گسترده تری مشاهده می کنیم. برای مثال در این مورد  
 تنها به ساقی نامه عمرانی رجوع می کنیم. در آن در زمینه مضامین اخلاقی و عارفانه به تاثیر  
 شعرای پیشین بر او و اندیشه مشترک آنها به صورت تضمین اشعار و یا تشبیهات و  
 استعارات یکسان بر می خوریم.<sup>۴۶</sup>

در سراسر ساقی نامه عمرانی تکرار مضمون بیت اول ساقی نامه منسوب به حافظ را  
 برای مثال به چند گونه دیگر ذکر می کنیم:  
 حافظ:

بده ساقی آن می که حال آورد      کرامت فرایند کمال آورد  
 عمرانی:

بده ای ساقی آن می باقی      تا کنم عرض حال مشتاقی  
 در ابراز عقاید عرفانی شباهت اندیشه او را با حافظ برای نمونه در ابیات ذیل می توان  
 پیگیری کرد:  
 حافظ:

حجاب راه تویی حافظ از میان برخیز      خوشا کسی که در این راه بی حجاب رود  
 عمرانی:

چون حجاب من از میان برخاست      در پس پرده، کار دل شد راست  
 حافظ:

اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد      من و ساقی به هم تازیم و بنیادش در اندازیم  
 عمرانی:

ور جهان فتنه غم انگیزد      فتنه سازد که خون ما ریزد  
 ما و مطرب به یکدگر سازیم      سر غم را ز تن بیندازیم<sup>۴۷</sup>

در میان تضمینهای شاعرانه عمرانی می توان تضمین ذیل را از حافظ برای مثال ذکر

نمود:

حافظ:

تو و طوبی و ما و قامت یار فکر هر کس به قدر همت اوست  
عمرانی:

زاهدا منع ما مکن بسیار «تو و طوبی و ما و قامت یار»  
در مورد مضامین اخلاقی و پند و اندرز تلفیق فرهنگهای یهودی، ایرانی، و اسلامی را  
با هم نظاره می کنیم. در این مورد باز هم برای مثال از دو اثر عمرانی که این تلفیق در آنها  
به درجات مختلف و با یکپارچگی تمام انجام شده است کمک می طلبیم:  
۱) گنجنامه: که بر اساس رساله میثنائی اندرز پدران می باشد. این اثر جنبه ترجمه  
ندارد بلکه شاعر اندرزهای بزرگان یهود را با منابع و مضامین ایرانی و اسلامی به معیار  
زمان و محیط خود با افکار صوفیانه ای که رنگ ایرانی دارد بیان می کند.<sup>۴۸</sup>

عالم زسه پایه هست قایم	دلشاد دل کسی که دایم
در سایه هر سه جای دارد	پیوسته ره خدای دارد
شرع است و حقیقت و طریقت	باید که نخست در شریعت
اول به شریعت خدایی	وانگه به طریق راهنمایی
چون علم شریعت و طریقت	دانی بررسی تو در حقیقت
خواهی که نیفتی اندر این راه	زین گونه برو (تو) گاه و بیگاه
بی مرشد و بی دلیل و بی پیر	در راه مرو به صبح و شبگیر

۲) انتخاب نخلستان: که مرکب از تعالیم و پند و اندرزهای دینی و اجتماعی از دیدگاه  
خود شاعر می باشد و به منظور راهنمایی جامعه ایرانی تألیف شده است. در انتخاب  
نخلستان عمرانی در انتقاد از تظاهر و ریای رهبران جامعه و متأثر از حافظ و موش و گربه عبید  
زاکانی چنین گوید:<sup>۴۹</sup>

حافظ:

واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می کنند	چون به خلوت می روند آن کار دیگر می کنند
--	---

عمرانی:

همه روز و شب در پی باطلند	اگر راست پرسى ز حق غافلند
به تزویر چون گربه ای عابدند	که از بهر موشان همه زاهدند
به خلوت گرفتار نفس و هوا	به محفل همه زاهد و پارسا
زمعنی و صورت همه بیخبر	شکم پرور و کودن و بی هنر

جایگاه فارسیهود در ادبیات و فرهنگ ایران:

۱) ارزش زبان شناسی فارسیهود: ادبیات فارسیهود تا قرن نوزده میلادی به غیر از

خوانندگان به خصوص خود در جامعه یهودی ایرانی مورد توجه علمی قرار نگرفته بود. برای اولین بار این استادان و ایران شناسان اروپایی بودند که از اواخر قرن نوزدهم آن را از نظر زبان شناسی و به خصوص ارزشی که برای ایجاد رابطه بین زبان پهلوی و فارسی نو داشت مورد بررسی قرار دادند. به عقیده بعضی از ایران شناسان از جمله ژیلبر لازار تراجم و تفاسیر تورات به فارسیهود در دوران اولیه ایران اسلامی تنها مدارک دست نخورده ای هستند که لهجه پارسی غرب ایران را که نگاهدار خصوصیات زبان پهلوی بود قبل از این که پارسی نواز شرق به آن جا برسد در لای سطور و صفحات دست نخورده خود محفوظ نگاه داشته اند. پل دلاگارد و تئودور نلدکه و بسیاری دیگر از ایران شناسان به نام قرن نوزدهم شناخت زبان فارسیهود را برای تحقیق و دانستن زبان فارسی نو از واجبات می دانند.<sup>۵۰</sup>

(۲) ارزش ادبی فارسیهود: ادبیات فارسیهود از نظر ادبی می تواند نمونه های گوناگونی به گنجینه ادبیات فارسی اضافه کند. گوشه هایی از اشعار حماسی شاهین و عمرانی و یا اشعار غنائی عمرانی و امینا و یا نثر مستجع و موزون سیمانطوب متمد می توانند تا حدی با آثار سایر مشاهیر ادبی فارسی برابری کنند. در تائید این موضوع برای مثال استاد ضیاءالدین سجادی درباره ساقی نامه عمرانی معتقد است که: «ساقی نامه عمرانی باید بر ساقی نامه های فارسی افزوده شود».<sup>۵۱</sup> استاد جلال متینی در مورد آثار فارسیهود معتقد است که «به جاست از این پس این آثار در حدی که معرفی شده اند در کتب تاریخ ادبیات فارسی یا تاریخ ادبیات ایران مورد بررسی قرار گیرند».<sup>۵۲</sup>

(۳) ارزش تاریخی فارسیهود: آثار بعضی از شعرای فارسیهود به خصوص بابائی بن لطف و بابائی بن فرهاد و یا نوشته های خصوصی پشت تورات و سایر کتب مقدس گویای گوشه های ناگفته ای از تاریخ یهودیان ایران است که خود متعلق به تاریخ کشور ایران می باشند. آثار فارسیهود علاوه بر زبان شناسی، ادبیات و تاریخ در مطالعات جامعه شناسی و مردم شناسی و شناخت آداب و سنن و طرز زندگی ایرانیان به خصوص اقلیتهای مذهبی نیز می تواند مؤثر و رهنما باشند.

مطالعه و پژوهش در آثار فارسیهود علاوه بر مشخص نمودن نقش یهودیان در تکوین هویت ایرانی، به معنی گسترده معرفت خدمات آنها به حفظ یهودیت و فرهنگ جهانی یهودیان می باشد. مطالعه و تحقیق در این رشته سبب می شود که یهودیان ایرانی بتوانند در وهله اول هویت و مقام فرهنگی خود را به خویشان و هموطنان ایرانی خویش و سپس به یهودیان جهان معرفی و تثبیت نمایند. استاد حسین ضیائی در این مورد معتقد است که

«متون فارسیهود جزء لاینفکی از ادب فارسی می باشد. این متون واجد مسائل زبان شناسی، ادبی، تاریخی و علمی بوده تحقیقات علمی پیرامون این مسائل یقیناً در پیشبرد شناخت ما از ادب فارسی به طور عام مؤثر خواهد بود».

ادبیات فارسیهود در حال حاضر در دو دانشگاه جهانی به صورت یک رشته علمی دانشگاهی در بخش ایران شناسی تدریس می شود. دانشگاه عبری اورشلیم از سال ۱۹۷۰ با تأسیس بخش ایران شناسی در این راه پیشگام بوده و بخش ایران شناسی دانشگاه UCLA نیز ضمن ابداع برنامه درجه دکتری در این رشته کلاسهای رسمی خود را برای تدریس فارسیهود از سال ۲۰۰۰ به پشتیبانی مالی بنیاد فرهنگی حبیب لوی به منظور تدریس و آموزش این رشته به نسل جوان پایه ریزی نموده است.

دانشگاه کالیفرنیا، لوس آنجلس (UCLA)

#### یادداشتها:

۱- برای شرح تاریخ یهود ایران در متون فارسی: حبیب لوی، تاریخ یهود ایران، در سه جلد، تهران: چاپ بروخیم ۱۳۳۹-۱۳۵۰، و باز نوشته آن توسط هوشنگ ابرامی، لوس آنجلس: شرکت کتاب، ۱۹۹۷؛ آمنون تنصر، «سیری در تاریخ یهود ایران»، در پادیاوند، جلد یک و دو و سه؛ آمنون تنصر، تاریخ یهود در عصر جدید، چاپ دوم، اورشلیم: ۱۹۹۸؛ ژاله پیر نظر، «یهودیان جدید الاسلام»، ایران نامه، سال نوزدهم، شماره های یک و دو، زمستان و بهار ۱۳۷۹-۱۳۸۰ خورشیدی (۲۰۰۱). برای منابع انگلیسی:

Jon L. Berquist, *Judaism in Persia's Shadow* (minneapolis: Fortress Press, 1995). Jacob Neusner, "Jews in Iran," in *the Cambridge History of Iran*. Walter J. Fischel, "The Jews of Mediaeval Iran from the 16th to the 18th Centuries: Political, Economic, and Communal Aspects," in *Irano-Judaica*, vol. 1, edited by Shaul Shaked (Jerusalem: Ben Zvi institute, 1982). Vera Basch Moreen, *Iranian Jewry's Hour of Peril And Heroism* (New York and Jerusalem: The American Academy for Jewish Research, 1987). Elias J. Bickerman and Walter J. Fischel, *Encyclopedia Judaica*, s.v. "Persia." Walter J. Fischel, "Secret Jews of Persia," in *Commentary*, vol. 7. Amnon Netzer, "The Jewish Community in Tehran," in *Padyavand*, vol. 3. Walter J. Fischel, "Jews of Persia: 1795-1940," in *Jewish Social Studies*, vol. 12. Sorour Soroudi, "Jews in Islamic Iran," in *Jerusalem Quarterly*, Fall 1981, vol. 2.

۲- آمنون تنصر، منتخب اشعار فارسی از آثار یهودیان ایران، تهران، چاپخانه دیا ۱۳۵۲ خورشیدی، ص ۹.

۳- Jon Berquist, *Judism in Persia's Shadow* (Minneapolis: Fortress Press, 1995), p. 88

۴- همان، ص ۱۱۱-۱۱۲.

۵- تنصر، پادیاوند، جلد ۱، ص ۱۸، رساله بیاقما، برگ ۸۳، صفحه اول.

- ۶- تنصر، منتخب، مقدمه، ص ۲۰.
- ۷- تنصر، پادیاوند، جلد ۳، ص ۸۵.
- ۸- برای شرح کامل خصوصیات دستوری فارسیهود: تنصر، منتخب، مقدمه، ص ۶۶-۷۰؛ پادیاوند، جلد ۳، ص ۱۳۴-۱۴۲.
- ۹- برای اطلاعات بیشتر در مورد رشیدالدین فضل الله:  
Amnon, Netzer, "Rashid al-Din and his Jewish Background," in *Irano-Judaica*, vol. iii (Jerusalem: Ben Zvi, 1994), pp. 118-126.
- مقاله ابن کمونه اسرائیلی: نوشته جعفر سجادی: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد چهارم، تهران: چاپ مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۰ خورشیدی.
- Hossein Ziai, "The Illuminationist Tradition," in *Routledge History of Islamic Philosophy*, vol. 1. (London, New York; Routledge 1996), pp. 484-487.
- در مورد سعید سرمد کاشانی:
- Walter K. Fischel, "Jews and Judaism at the Court of the Moghul Emperors in India," in *Proceedings of the American Academy for Jewish Research* (New York: 1948-49), pp. 137-177.
- ۱۰- عمران صلاحی: رویاهای مرد نیلوفری، احوال و افکار و آثار سعید سرمد کاشانی، تهران، انتشارات ناهید، ۱۳۷۰ خورشیدی.
- Gilbert Lazard, sv. "Judeo-Persian Literature", *Encyclopedia Judaica*, vol. 10, 13th ed. (Jerusalem: Keter Publishing House, 1973).
- ۱۱- تنصر، منتخب، مقدمه، ص ۲۵.
- ۱۲- Jan Rypka, "History of Persian Literature up to the Beginning of the 20th Century," in *History of Iranian Literature*, edited by Karl Jahn (Dordrecht-Holland: D. Reidel Publishing Co. 1968), pp. 739.
- ترجمه این نمایشنامه به زبان فارسی در دهه ۱۹۵۰ توسط حسن شهباز انجام گرفته و بعید به نظر می رسد که در آن زمان نیازی به برگرداندن آن به فارسیهود وجود داشته باشد. گزارش ریکا در این مورد می تواند از ترجمه دیگر و در زمان خیلی پیشتر باشد.
- ۱۳- تنصر، پادیاوند، جلد ۱، ص ۵۲-۹۸.
- ۱۴- مرحوم دکتر حبیب لوی دندانپزشک رضا شاه پهلوی شاید یکی از آخرین پزشکان دربار پادشاهان ایرانی باشد.
- ۱۵- تنصر، پادیاوند، جلد دوم، ص ۱۲۷ تا ۱۳۱؛ تنصر، منتخب، مقدمه، ص ۵۱.
- ۱۶- تنصر، منتخب، مقدمه، ص ۵۱.
- ۱۷- همان، ص ۴۸، Hessedai.
- ۱۸- همان، ص ۵۰.
- ۱۹- ژیلبر لازارو و آمون تنصر ادبیات فارسیهود را به گونه های متفاوتی تقسیم بندی نموده اند.
- برای اطلاع بیشتر در مورد جنبه های کلی این بحث: تنصر، منتخب، ص ۳۶ تا ۲۶؛ تنصر، پادیاوند، جلد اول، ص ۵۲-



Lazard, s.v. Judeo-Persian Literature, Vera Basch Moreen, in *Queen Este's Garden* (New Haven and London: Yale University Press, 2000).

Lazard, "Judco-Persian Dialectology," in *padyavand*, vol. 1.

Walter J. Fischel, "The Bible in Persian Translation." -۲۰-

ترجمه این مقاله به فارسی توسط احمد آرام تحت عنوان «فهرست ترجمه های تورات وانجیل» در راهنمای کتاب، شماره پنجم، سال دوم، اسفند ۱۳۳۸ خورشیدی، شماره اول، سال سوم، اردیبهشت ۱۳۳۹ و شماره دوم، سال سوم، تیر ۱۳۳۹.

نصیر، منتخب، مقدمه، ص ۱۸ تا ۲۵؛ تنصیر، «سیری در ادبیات»، پادیاوند، جلد یک، ص ۸۳ تا ۱۳۶.

Rypka, *History of Iranian Literature*, p. 89. -۲۱-

۲۲- تنصیر، منتخب، مقدمه، ص ۳۸ و ۳۹ شامل برخی از این گونه نامها می باشد.

۲۳- تنصیر، منتخب، اردشیرنامه، ص ۱۱۲. فتحنامه، نسخه اورشلیم، P.17A:9.

۲۴- تنصیر، منتخب، موسی نامه، ص ۲۵. فتحنامه، نسخه اورشلیم، ک ۱۱۸:۱۲.

۲۵- فتحنامه، نسخه اورشلیم، p.1A. 1-2.

۲۶- فتحنامه، نسخه لندن، p.166:18.

۲۷- فتحنامه، نسخه لندن، ص ۵:۱۷۱.

۲۸- فتحنامه، نسخه اورشلیم، p.16A:22.

۲۹- همان، ص ۱۷۷.

۳۰- همان.

۳۱- همان، ص ۲۴۸.

۳۲- همان، ص ۱۱۳.

۳۳- ملمد، حیات الروح، P.D.:R.

۳۴- تنصیر، منتخب، ص ۹۰؛ فتحنامه، نسخه اورشلیم p.2B:15.

۳۵- تنصیر، منتخب، ص ۲۰۶. جنیبت در عربی به معنی اسپ کتل، اسپ که زین کرده پیشاپیش شاهان و امرا

برند.

۳۶- کلیه این واژه ها صرفاً از یک اثر غنائی ساقی نامه عمرانی گرفته شده است. متن کامل ساقی نامه، در تنصیر،

منتخب، ص ۲۵۲-۲۶۰ و همچنین پادیاوند، جلد یک، ص ۹۹-۱۱۴ مندرج است.

۳۷- تنصیر، منتخب، ص ۱۲۳.

۳۸- برای مطالعه گسترده تر در انواع فرم ادبی مراجع ذیل در دسترس خواننده امروزی قرار دارند: تنصیر، مقدمه،

«منتخب اشعار فارسی». ص ۳۶-۷۰؛ تنصیر، پادیاوند، جلد یک و دو و سه.

Yeroushalmi, *Ganjname*, pp. 53,79.

Moreen, *Queen Ester's Garden*.

۳۹- فتحنامه، نسخه اورشلیم، p.7A:10.

۴۰- فتحنامه، نسخه اورشلیم، p.10B.22.

۴۱- فتحنامه، نسخه اورشلیم، p.10B:14؛ تنصیر، منتخب، ص ۲۵.

۴۲- تنصیر، منتخب، ص ۱۱۶؛ فتحنامه، اورشلیم p.10B:16؛ فتحنامه، لندن p.161:6.

۴۳- ملند، حیات الروح، p.A:1.

۴۴- تنصر، منتخب، ص ۱۷۲-۱۷۳؛ فتحنامه، نسخه لندن، p.21B:6-9.

۴۵- تنصر، تاریخ یهود در عصر جدید، ص ۲۲۷-۲۲۹.

Moreen "Hour of Peril And Heroism," pp. 119-170, also Apendix A-F, pp. 169-216.

۴۶- متن کامل ساقی نامه را در مآخذ زیر می توان یافت: منتخب، ص ۲۵۱-۲۶۰؛ تنصر، پادیاوند، جلد یک، ص

۹۹-۱۰۶.

۴۷- جلال متینی در «اهمیت آثار فارسی یهودیان»، ایران نامه، سال اول شماره سوم، بهار ۱۳۶۶ خورشیدی

(۱۹۸۳ میلادی)، در معرفی کتاب منتخب اشعار فارسی، به این بیت و ابیات دیگری اشاره نموده اند. ایشان در مقایسه

شعرای فارسیهود با سایر شعرای ایرانی از جمله خیام و فردوسی با شاهین و عمرانی با حافظ، سعدی و نظامی گنجوی و

عبید زاکانی، به تضمینهای شاعرانه عمرانی در ساقی نامه اشاره نموده اند. به علت خودداری از تکرار، توجه علاقه مندان را

به مطالعه آن مقاله جلب می کنیم.

۴۸- تنصر، منتخب، ص ۱۸۴.

۴۹- تنصر، منتخب، ص ۲۴۸-۲۴۹.

Paul de Lagarde, Persische studien (Abbandlungen der Koniglichen -۵۰

Gresellschaft der Wissenchaften zu Gottingen) XXXI, 1884:68-9. Originally reported in

*Manuscripts of the Jews of Persia in the Ben Zvi Institute* (Jerusalem: Ben Zvi Institute,

1985), in Netzer. *Manuscripts*, 1985), p. 333.

آمون تنصر، در مقدمه انگلیسی این کتاب به ایران شناسان ذیل اشاره می کند:

Solomon Munk, paul de Lagarde, Theodor Noldeke, Carl Salemann and Paul Horn.

Yerushalmi, Ganjnameh, p.5.

یروشلمی علاوه بر نامهای فوق نام W. Geiger را اضافه می کند.

۵۱- راهنمای کتاب، جلد هفدهم، ۱۳۵۳ خورشیدی (۱۹۷۴)، ص ۴۳۱۶.۵. Netzer, *Manuscripts*, p.5.

۵۲- جلال متینی، «اهمیت ادبیات فارسی یهود» ص ۴۳۷-۴۴۲.